

افغانستان

بولتن خبری شش ماهه در مورد حفاظت افراد ملکی در درگیری های نظامی، ۲۰۰۹



جولای، ۲۰۰۹  
یوناما، حقوق بشر



جدول مندرجات

i	جدول مندرجات
۱	مقدمه
۱	روند کلی: جنوری – جون ۲۰۰۹
۴	تلفات ملکی: جنوری – جون ۲۰۰۹
۷	بیجا شدگان داخلی و حملات انتحاری از سوی عناصر ضد دولت
۱۰	حملات هوایی نیرو های طرفدار دولت
	ضمیمه ۱
	خلاصه روش حقوق بشر یوناما برای جمع آوری معلومات و
۱۶	ارزیابی های مرتبط به تلفات ملکی
۱۷	واژه نامه

## مقدمه

۱. این بولتن شش ماهه در مورد حفاظت افراد ملکی در درگیری های نظامی در افغانستان که توسط واحد حقوق بشر یوناما تهیه شده، دوره شش ماهه از اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۰۹ را تحت پوشش قرار میدهد. بولتن به دو عرصه مربوطه؛ یعنی مهمات منفجره تعبیه شده و حملات انتحاری از سوی عناصر ضد دولت، و حملات هوایی از سوی نیرو های طرفدار دولت توجه نموده است. ادعا میشود که این دو روش تا هنوز عامل کشتار شمار زیادی از افراد ملکی در مناطق در حال جنگ در افغانستان زندگی می کنند، است.

۲. در پیروی از قطعنامه ۱۸۶۸ (۲۰۰۹) شورای امنیت ملل متحد، واحد حقوق بشر یوناما یک سلسله فعالیت ها را روی دست میگیرد تا حفاظت افراد ملکی در درگیری های نظامی را بالا ببرد. به گونه مثال، حقوق بشر یوناما نظارت مستقلانه و بیطرفانه خود را از حوادثی که به تلفات جانی یا جراحت افراد ملکی و همچنان تخریب و ضرر زیر ساخت های ملکی منجر میگردد، انجام میدهد. ضمیمه ۱ روش بکار رفته توسط کارمندان حقوق بشر یوناما را جهت جمع آوری معلومات، ارزیابی و گزارش دهی حوادث تلفات ملکی و تأثیر درگیری های نظامی بر افراد ملکی خلاصه نموده است.

## روند کلی: جنوری – جون ۲۰۰۹

۳. بعد از سال ۲۰۰۵ درگیری های نظامی در افغانستان همراه با حملات شورشیان و عناصر ضد دولت و عملیات نیرو های طرفدار دولت به بیشتر نقاط کشور نفوذ نموده و شدت یافته است. بعد از گسترش و عمیقتر شدن درگیری ها در طول سال های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، حالا تقریباً یک سوم کشور مستقیماً از فعالیت های شورشی با شدت متفاوت متأثر میگردد. درگیری های نظامی بطور خاص در مناطق جنوب، جنوب شرق، شرق، مرکز و غرب کشور متداول است. در ضمن به مناطقی که قبلاً آرام بوده نیز پخش میگردد، مانند شمال و شمال شرق.

۴. با شدت گرفتن و گسترش جنگ، اثرات سنگین آن بر افراد ملکی نیز بیشتر میشود، درست همانگونه که میزان مرگ و میر ثبت شده افراد ملکی توسط واحد حقوق بشر یوناما از سال ۲۰۰۷ بدینسو نشان میدهد. در شش ماه اول سال ۲۰۰۹، یوناما حدود ۱۰۱۳ مورد مرگ افراد ملکی را ثبت نموده که در مقایسه با ۸۱۸ مورد مرگ در شش ماه اول ۲۰۰۸ و ۶۸۴ مورد مرگ در سال ۲۰۰۷ بسیار زیاد می باشد. این رقم در مقایسه با شش ماه اول ۲۰۰۸ نماینگر ۲۴ درصد افزایش تلفات ملکی در شش ماه اول ۲۰۰۹ میلادی می باشد. عناصر ضد دولت و همچنان نیرو های طرفدار دولت در برابر کشتار و تلفات ملکی مسئول هستند. ارقام واحد حقوق بشر یوناما نشان میدهد که نسبت به نیرو های طرفدار دولت، بیشتر افراد ملکی توسط عناصر ضد دولت کشته شده اند. در شش ماه اول ۲۰۰۹، ۵۰ درصد افراد ملکی توسط عناصر ضد دولت و ۳۰٫۵ درصد توسط نیرو های طرفدار دولت کشته شده اند. این نشان دهنده یک تغییر نسبت به سال ۲۰۰۷ است که در آن زمان نیرو های طرفدار دولت در برابر ۴۱ درصد کشته شدگان و عناصر ضد دولت در برابر ۴۶ درصد تلفات ملکی مسئول بودند.

۵. از سال ۲۰۰۷ بدینسو عملیات های انجام شده از سوی نیرو های طرفدار دولت باعث افزایش شمار تلفات ملکی شده است. در حالیکه سهم کلی مرگ افراد ملکی توسط عناصر ضد دولت در سالهای اخیر کاهش یافته که عمدتاً به علت تلاش های متمرکز کاهش تلفات می باشد، اما تعداد واقعی مرگ افراد ملکی هنوز هم در حال افزایش است.

۶. دولت افغانستان و همیمانان او در یک تلاش برای سرکوب شورشگری و واکنش به فعالیت های شورشی در مناطق غیر نظامی فعالیت های بیشتری را در این مناطق سکونت غیر نظامیان به راه انداختند. این عامل ها باعث افزایش شمار مرگ و جراحت افراد غیر نظامی و تخریب زیر ساخت ها بشمول منازل و دارایی ها گردید که برای زنده ماندن و حفظ معیشت مهم و ضروری بودند.

۷. واحد حقوق بشر یوناما یاد آور گردید که نیرو های طرفدار دولت بخاطر کاهش شمار تلفات ملکی در درگیری های نظامی اولویت اساسی به این مسئله داده است. به مثابه یک بخشی از این تلاش ها، تغییر تکنیک ها توسط نیرو های آیساف و نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان بررسی گردید که شامل

طرح مجدد دستورات تکتیکی در ماه های سپتمبر و دسمبر ۲۰۰۸ و باز هم در ماه جولای ۲۰۰۹ گردید. در ضمن بخش بررسی تلفات ملکی در ماه سپتمبر در داخل آیساف ایجاد گردید که با ایجاد یک ارگان مشابه در داخل نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان بازتاب یافت. همچنان ساختار های فرماندهی نیز بررسی گردید که باعث ایجاد یک فرماندهی واحد برای نیرو های آیساف و امریکایی مستقر در افغانستان به سرپرستی جنرال مک کیرین در سپتمبر ۲۰۰۸ گردید. در ماه می ۲۰۰۹ با تعویض جنرال مک کیرین توسط جنرال مک کریستال در فرماندهی نیرو های آیساف - امریکا در افغانستان یک تغییر ایجاد شد.

۸. علیرغم تلاش ها از سوی نیرو های نظامی بین المللی جهت تطبیق پالیسی ها و دستور عمل ها برای کاهش تأثیر عملیات های نظامی شان بر افراد ملکی، حملات هوایی هنوز هم عامل اصلی تلفات زیاد افراد ملکی شمرده میشود که در جریان شش ماه اول ۲۰۰۹ به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده شده. واحد حقوق بشر یوناما ۴۰ مورد حمله هوایی را از آغاز سال ۲۰۰۹ ثبت نموده که در نتیجه این حملات بیش از ۲۰۰ غیر نظامی جان خود را از دست داده اند. اجرای عملیات های تلافی و دستگیری (بشمول یورش های شبانه) نیز قابل نگرانی است و همچنان گزارش های مبنی بر انجام عملیات های مشترک میان نیرو های نظامی بین المللی و افغان رسیده که در این عملیات استفاده از نیرو های زیاد باعث مرگ غیر نظامیان گردیده است. در شمار "رویداد های حفاظت نیرو" نیز کاهش آمده که طی آن افراد ملکی بخاطر سرپیچی از دستور عمل ها در زمان بیش از حد نزدیک شدن به کاروان های نظامی، پایگاه های نظامی یا پوسته ها کشته شده اند.

۹. در طول سال ۲۰۰۸ تداوم این روند دیده شده و در شش ماه اول ۲۰۰۹ تکتیک های عناصر ضد دولت در جنگ با نیرو های طرفدار دولت از جنگ رویایی رویی یا کمین به نوع شورش یا چریکی تغییر کرد که شامل حملات نامتقارن مانند مواد منفجره تعبیه شده، موتر های بمبگذاری شده و انفجار های کنار جاده ای و سوء قصد های هدف گیری شده می گردد (این گونه حملات عامل اصلی مرگ شمار زیاد غیر نظامی می باشد)

۱۰. بین ماه های جنوری تا جون ۲۰۰۹، شمار مرگ غیر نظامیان توسط عناصر ضد دولت به ۵۹۵ نفر رسید که از جمله ۴۰۰ تن آن در نتیجه حملات تعبیه شده و انتحاری بدون تشخیص هدف صورت گرفته است. این رقم نشان دهنده ۶۷ درصد کل کشتار توسط عناصر ضد دولت می باشد که برابر با ۳۹,۵ درصد کل ۱۰۱۳ مرگ غیر نظامی در نیمه اول سال ۲۰۰۹ است. عملیات عناصر ضد دولت بدون توجه به اثرات آن بر تلفات یا جراحت و یا حتی تخریب زیربنا های غیر نظامی صورت میگیرد. تحقیقات انجام شده از سوی واحد حقوق بشر یوناما در مورد حوادث خاص نشان میدهد که عناصر ضد دولت در مناطق غیر نظامی مستقر شدند و در نتیجه تفکیک میان نظامیان و غیر نظامی را دشوار میسازند و این به مثابه یک بخشی از پالیسی فعال آنهاست تا حملات نظامی را به مناطقی بکشانند که باعث کشتار یا جراحت غیر نظامیان گردد. همچنان شدت حملات انجام شده توسط عناصر ضد دولت علیه و یا در مناطق غیر نظامی مورد نگرانی واحد حقوق بشر یوناما می باشد. حقوق بشر یوناما به ثبت حملات مواد منفجره تعبیه شده در کنار جاده های مورد استفاده غیر نظامیان، مناطق مسکونی و بازارها ادامه میدهد. واحد حقوق بشر یوناما در بعضی مناطق بخصوص در جنوب شرق کشور ترور افراد غیر نظامی را با استفاده از مواد منفجره تعبیه شده یاد آور شده است.

۱۱. حملات عناصر ضد دولت بر کارکنان بشردوستانه و دولتی منجمله کارمندان طبی و آموزش بطور فزاینده مانع دسترسی افغانها به کمک های بشری بخصوص به مراقبت های صحی، غذا، سرپناه و دیگر خدمات اساسی برای بقا شده است. این مسئله بر زنان و کودکان ساکن در مناطق متأثر از جنگ تأثیر حیاتی دارد. بخش های عظیم جنوب، جنوب شرق، جنوب غرب، غرب و مناطق مرکزی افغانستان هنوز هم برای فعالیت نمایندگی های بشردوستانه "مناطق خطر و بحرانی" تشخیص داده شده اند. مکاتب بخصوص مکاتب دخترانه مورد حمله بیشتر قرار گرفته که باعث محرومیت هزارن شاگرد بخصوص دختران از حق آموزش آنها میگردد. بر اساس گفته های یونیسف طی شش ماه ۱۶ مورد انفجار در داخل مکاتب بوده. به گونه مثال در ولایت غور در ماه اپریل ۲۰۰۹ دو صنف در یک مکتب در اثر انفجار تخریب گردید که از سال ۲۰۰۷ بدینسو اولین حمله بر مکاتب در این ولایت می باشد. به تاریخ ۲۷ می ۲۰۰۹ یک مکتب دخترانه در منطقه قلعه نو ولسوالی چرخ ولایت لوگر مورد حمله راکتی عناصر ضد دولت قرار گرفت که باعث تخریب در ورودی و چند پنجره آن شد. واحد حقوق بشر یوناما یاد آور شده

که نامه های تهدید آمیز علیه مکاتبی که قرار بود برای انتخابات بخصوص در مناطق شرقی و جنوب شرقی مورد استفاده قرار بگیرند، پخش شده بود.

۱۲. فعالیت های روز افزون عناصر ضد دولت بشمول " عملیات آزادی" اعلام شده توسط رهبری طالبان در پاسخ به افزایش نیرو ها از سوی اداره امریکا و انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی تاریخ ۲۰ اگست، باعث پیش بینی تشدید حملات در افغانستان گردید. با توجه به شکل و نحوه مبارزات تا کنون، احتمال افزایش تلفات غیر نظامی در ماه های آینده می رود.

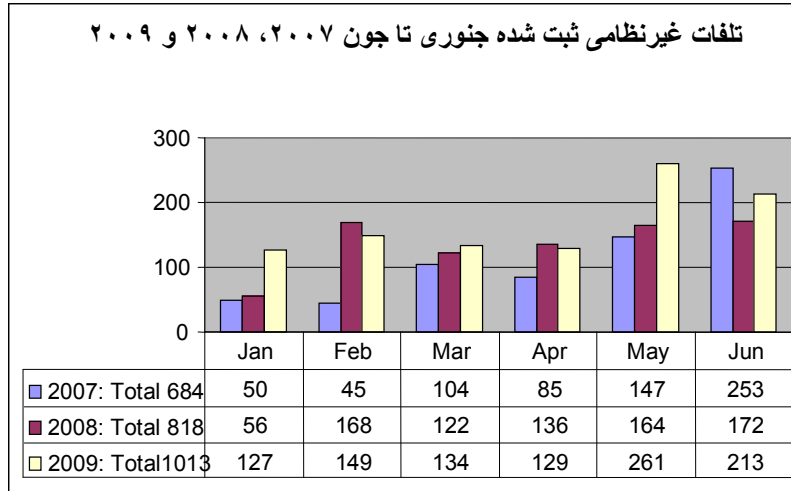
۱۳. یوناما تا هنوز نگران میزان بالای تلفات غیر نظامی در اثر ادامه جنگ در افغانستان است و باز هم تأکید می نماید تا تمام طرف های درگیر بخصوص مخالفین مسلح باید سعی نمایند تا در عملیات ها و فعالیت های خود تلفات غیر نظامیان را کاهش دهند. هر چند نیرو های طرفدار دولت مسئول تلفات غیر نظامی ناشی از عملیات های شان هستند، اما مرگ غیر نظامیان در اثر حملات هوایی هنوز هم یک نگرانی جدی شمرده میشود. عناصر ضد دولت هنوز هم با بی پروایی به تلفات غیر نظامیان از عملیات نامتقارن کار میگیرند. یوناما و کمشنر عالی حقوق بشر ملل متحد به تمام طرف های درگیر تعهدات شان در برابر حفاظت غیر نظامیان را تحت قوانین بین المللی، حقوق بشر بین المللی و قوانین ملی افغانستان یاد آور میشوند.

#### تلفات غیر نظامی: جنوری - جون ۲۰۰۹

۱۴. چنانچه قبلاً ذکر شده، درگیری های نظامی در سال ۲۰۰۸ در سراسر افغانستان و در شش ماه اول سال ۲۰۰۹ شدت گرفته که از افزایش تلفات غیر نظامیان و تخریب فضا های بشردوستانه نیز خبر داده شده است. واحد حقوق بشر به تعداد ۱۰۱۳ تلفات ملکی را از اول جنوری تا ۳۰ جون ۲۰۰۹ ثبت نموده است. این رقم نشان دهنده ۲۴ درصد افزایش تلفات در مقایسه با همین دوره در سال ۲۰۰۸ می باشد که آن زمان ۸۱۸ غیر نظامی کشته شده بود. اکثر مرگ ها در جنوب، جنوب شرق، شرق، غرب و مناطق مرکزی کشور اتفاق می افتد. بر اساس گفته های یوناما ۵۹۵ یا ۵۹ درصد این مرگ ها توسط عناصر ضد دولت و ۳۱۰ یا ۳۰٫۵ درصد آن توسط نیرو های بین المللی و افغان بوده است. به تعداد ۱۰۸ یا ۱۰٫۵ درصد باقیمانده آن به هیچ یک از طرف های درگیر مربوط نمی شود.

۱۵. بجز از ماه فبروری در شش ماه اول سال ۲۰۰۹، واحد حقوق بشر یوناما شمار زیاد مرگ و جراحت غیر نظامیان را به ثبت رسانید که در مقایسه با همین دوره سال ۲۰۰۸ بیشتر بود. این پدیده را نمی توان با استناد به این واقعیت که گویا در سراسر زمستان سال ۲۰۰۸ و اوایل ۲۰۰۹ فعالیت های عناصر ضد دولت وجود داشته، توجیه کرد (برخلاف آن در سال های قبل درگیری ها نسبتاً آرام بود). عوامل دیگر بشمول رشد حوادث عملیات های نظامی در مناطق مسکونی، حملات پیچیده عناصر ضد دولت، عملیات های نظامی در مرز با پاکستان که منجر به عقب نشینی جنگجویان به داخل افغانستان شده، افزایش نیرو ها توسط نیرو های نظامی بین المللی و پالیسی آیساف و نیرو های امریکایی باعث گردید تا واکنش های نظامی در برابر شورشگری در سراسر ماه های زمستان و همچنان عملیات های شدید در ماه های می و جون شدت گیرد.

جدول نمبر ۱ تلفات غیرنظامی ثبت شده بین ماه های جنوری تا جون ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹



۱۶. در ماه جنوری ۲۰۰۹، یوناما ۱۲۷ مرگ غیر نظامی را به ثبت رسانید ( ۴۴ تن آن توسط عناصر ضد دولت و ۶۳ تن آن توسط نیرو های طرفدار دولت و عامل ۲۰ تن دیگر آن مشخص نشده) که نشان دهنده ۱۲۷ درصد افزایش در مقایسه با ماه جنوری ۲۰۰۸ می باشد که کل تلفات ملکی در آن زمان ۵۶ نفر بود (۳۷ تن توسط عناصر ضد دولت و ۱۵ تن آن توسط نیرو های طرفدار دولت و عامل ۴ تن دیگر آن مشخص نشده). ارقام ماه جنوری ۲۰۰۹ نشان دهنده ۳۳ درصد افزایش در مقایسه با ۱۰۴ مرگ غیر نظامی ثبت شده در دسمبر ۲۰۰۸ می باشد. در ماه جنوری بطور فزاینده بیشتر تلفات ملکی به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده میشود ( ۶۳ تن توسط نیرو های طرفدار دولت و ۴۴ تن توسط عناصر ضد دولت کشته شده)، که این خود نشان دهنده یک برگشت در مقایسه با روند معمول ماه های قبلی می باشد که در آن عناصر ضد دولت عامل بیشتر تلفات ملکی بوده اند.

۱۷. در ماه فبروری ۲۰۰۹، ۱۴۹ مرگ غیر نظامی توسط یوناما به ثبت رسیده که ۸۰ تن یا ۵۴ درصد آن توسط عناصر ضد دولت و ۴۶ تن یا ۳۱ درصد آن توسط نیرو های طرفدار دولت کشته شده و عامل ۲۳ تن یا ۱۵ درصد آن مشخص نیست. این ۱۴۹ مرگ نشان دهنده ۳۴ درصد افزایش در مقایسه با ۱۱۱ مرگ گزارش شده در ماه جنوری می باشد، اما ۱۲،۵ درصد کاهش در مقایسه با ۱۶۸ مرگ غیر نظامی ثبت شده در ماه فبروری ۲۰۰۸ می باشد. شمار زیاد تلفات غیر نظامی در ماه فبروری ۲۰۰۸ شامل کل تلفاتی می شود که در اثر یک حمله انتحاری در جریان سگ جنگی در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار می گردد که در جریان آن ۶۷ کشته شدند.

۱۸. یوناما در جریان ماه مارچ ۲۰۰۹ ۱۳۴ مرگ غیرنظامی را به ثبت رسانید. ( ۸۱ تن یا ۶۰ درصد آن توسط عناصر ضد دولت و ۳۴ یا ۲۵ درصد آن توسط نیرو های طرفدار دولت کشته شده و عامل ۲۰ تن دیگر آن مشخص نیست). این رقم نشان دهنده ۱۰ درصد کاهش در شمار تلفات ملکی در مقایسه با ۱۴۹ کشته گزارش شده در ماه فبروری می باشد.

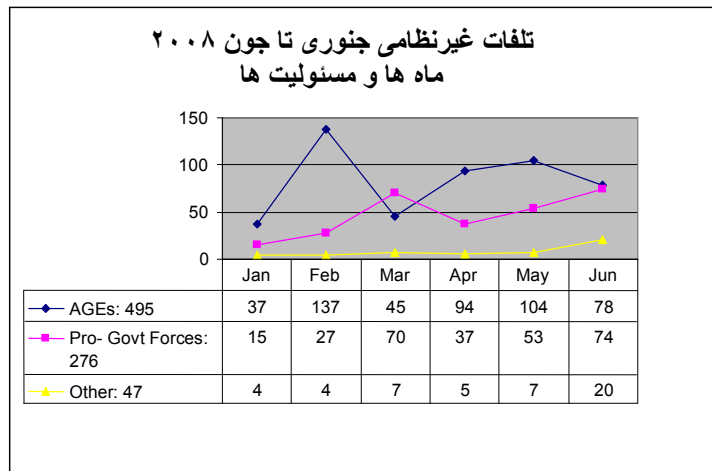
۱۹. در ماه اپریل ۲۰۰۹، مرگ ۱۲۹ غیر نظامی ناشی از درگیری نظامی به یوناما گزارش شد که ۷۹ تن یا ۶۱ درصد آن به عناصر ضد دولت و ۳۲ تن یا ۲۵ درصد آن به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده شده و عامل مرگ ۱۸ تن یا ۱۴ درصد آن مشخص نشده بود. با گزارش کشته شدن ۶۲ تن در ماه اپریل که ۴۰ تن به دست عناصر ضد دولت و ۱۲ تن آن توسط نیرو های طرفدار دولت و عامل مرگ ۱۰ تن دیگر آن مشخص نشده، جنوب کشور هنوز هم یک منطق به شدت متأثر از جنگ شمرده میشود.

۲۰. در ماه می ۲۰۰۹ زمانی که یوناما مرگ ۲۶۱ غیر نظامی را به ثبت رسانید که ۱۶۳ تن یا ۶۲ درصد آن به عناصر ضد دولت و ۸۱ تن یا ۳۱ درصد آن به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده شده و عامل مرگ ۱۷ تن یا ۶ درصد آن مشخص نبود، شمار زیاد تلفات ملکی به طور قابل ملاحظه ی افزایش یافت. در مقایسه با ماه های قبلی بیشتر افراد ملکی در مناطق جنوب کشته شدند که ۹۴ مرگ غیر نظامی از

انجا گزارش شده بود. افزایش تلفات ملکی در ماه می به ترکیب عوامل ذیل مانند بی ثباتی در پاکستان، افزایش نیرو های بین المللی و عوامل فصلی نسبت داده میشود. در مناطق غربی تلفات ملکی با مرگ ۷۱ غیر نظامی ثبت شده توسط یوناما رشد قابل ملاحظه ی داشت ( که ۶۶ تن یا ۹۳ درصد آن به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده شده و عامل مرگ ۵ تن یا ۷ درصد آن نا مشخص می باشد) این رقم با ۶ مرگ ثبت شده در این منطقه در ماه اپریل ۲۰۰۹ مغایرت دارد ( که ۴ تن یا ۶۷ درصد آن به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده شده و عامل مرگ ۲ تن یا ۳۳ درصد آن نا مشخص می باشد). افزایش قابل ملاحظه کشتار غیر نظامیان به علت حادثه بالا بلوک ولایت فراه می باشد که در اثر یک حمله هوایی به تاریخ ۴ می ۲۰۰۹ ۶۳ زن و کودک جان خود را از دست دادند.

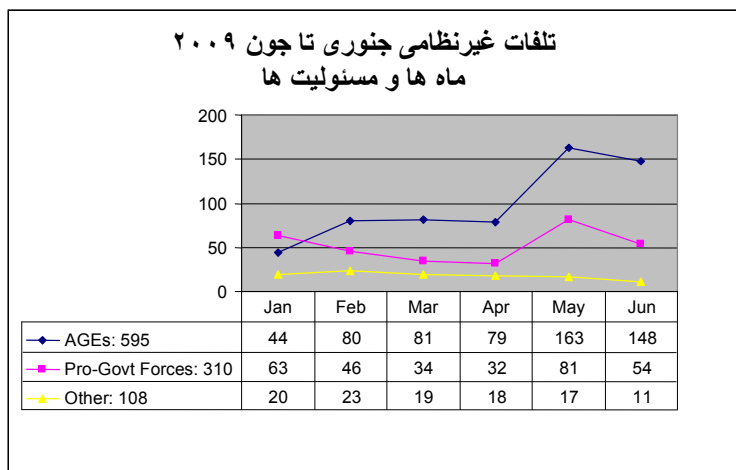
۲۱. در ماه جون ۲۰۰۹، مدارک ثبت شده واحد حقوق بشر یوناما نشان میدهد که ۲۱۳ غیر نظامی در اثر درگیری های نظامی کشته شدند. این رقم نشان دهنده ۲۴ درصد افزایش در مقایسه با ۱۷۲ مرگ غیر نظامی در ماه جون ۲۰۰۸ می باشد و با افزایش قابل ملاحظه مرگ غیر نظامیان در مقایسه با سال های قبل هنوز هم شاهد افزایش این روند هستیم. از جمله ۲۱۳ مرگ ثبت شده در جون ۲۰۰۹، ۱۴۸ تن آن توسط عناصر ضد دولت و ۵۴ تن آن توسط نیرو های طرفدار دولت کشته شدند و ۱۱ تن دیگر زندگی شان را در شرایطی از دست دادند که عاملین آن را نمی توان مشخص نمود. وقتی با تلفات ثبت شده ماه جون ۲۰۰۸ مقایسه می کنیم ( که در جون ۲۰۰۸ به تعداد ۷۸ تن توسط عناصر ضد دولت کشته شده بود)، معلوم میشود که شمار کشته های غیر نظامی توسط عناصر ضد دولت در جون ۲۰۰۹ ۹۰ درصد افزایش یافته، در حالیکه شمار تلفات ملکی در اثر عملیات های نیرو های طرفدار دولت به ۲۴ درصد سقوط نمود ( که در ماه جون ۲۰۰۸ به تعداد ۷۴ غیر نظامی توسط نیرو های طرفدار دولت کشته شده بود). اما شمار کسانی که به عوامل نا مشخص کشته شده بودند تا ۴۵ درصد کاهش یافت ( که در ماه جون ۲۰۰۸ عامل مرگ ۲۰ غیر نظامی مشخص نبود). در ماه جون ۲۰۰۹ از جمله ۵۴ کشته غیر نظامی در نتیجه عملیات نیرو های طرفدار دولت، ۴۰ تن (یا ۷۴ درصد کل کشته شدگان توسط نیرو های طرفدار دولت و ۱۹ درصد کل تلفات ملکی در این ماه) زندگی خود را در اثر حملات هوایی از دست دادند و ۲ تن دیگر (یا ۴ درصد کل کشته شدگان توسط نیرو های طرفدار دولت و ۱ درصد کل تلفات ملکی در این ماه) در نتیجه تشدید درگیری ها جان خود را از دست دادند. از جمله ۱۴۸ کشته توسط عناصر ضد دولت ۱۴ تن (یا ۹ درصد کل کشته شدگان توسط عناصر ضد دولت و ۶٫۵ درصد کل تلفات ملکی در این ماه) قربانی حملات انتحاری شدند که طی آن ۹۶ تن (یا ۶۵ درصد کل کشته شدگان توسط عناصر ضد دولت و ۴۵ درصد کل تلفات ملکی در این ماه) در نتیجه بمب های کنار جاده ای و حملات انتحاری کشته شدند و ۱۵ تن (یا ۱۰ درصد کل کشته شدگان توسط نیرو های طرفدار دولت و ۷ درصد کل تلفات ملکی در این ماه) در نتیجه شلیک هاوان، راکت یا حمله با نارنجک کشته شدند. در ماه جون ۲۰۰۹ جنوب کشور با ۹۲ مرگ گزارش شده هنوز هم بیشترین تلفات ملکی را به خود اختصاص داده که به دنبال آن جنوب شرق کشور با ۵۰ مرگ و شرق با ۱۶ مرگ بیشترین تلفات را به خود اختصاص داده اند.

جدول نمبر ۲ تلفات غیر نظامی ثبت شده توسط عناصر ضد دولت و نیرو های طرفدار دولت  
جنوری تا جون ۲۰۰۸

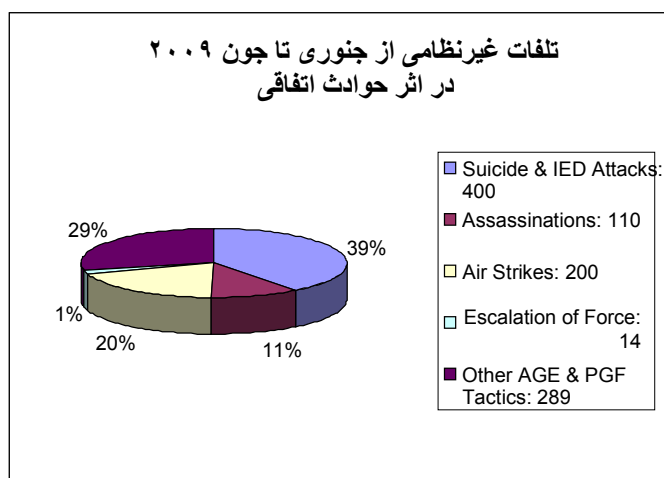




جدول نمبر ۳ تلفات غیرنظامی ثبت شده توسط عناصر ضد دولت و نیرو های طرفدار دولت  
جنوری تا جون ۲۰۰۹



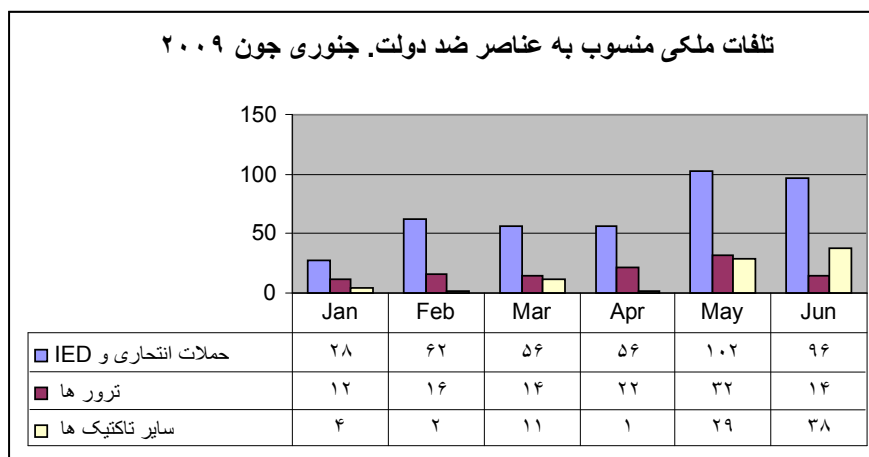
جدول نمبر ۴ تلفات غیرنظامی ثبت شده در اثر حوادث اتفاقی  
جنوری تا جون ۲۰۰۸



#### مواد منفجره تعبیه شده و حملات انتحاری از سوی عناصر ضد دولت

۲۲. عناصر ضد دولت هنوز هم مسئول سهم بزرگ تلفات ملکی شمرده میشوند. استفاده از مواد منفجره تعبیه شده که بر اساس ماهیت تشخیص هدف نمی تواند، در جریان چند ماه سال ۲۰۰۹ افزایش یافت. بر اساس گزارش افزایش مرگ غیر نظامیان توسط عناصر ضد دولت از ۷۰۰ تن در سال ۲۰۰۷ به ۱,۱۶۰ تن در سال ۲۰۰۸ نشان دهنده ۶۵ درصد افزایش می باشد. در شش ماه اول ۲۰۰۹ عناصر ضد دولت ۵۹۵ غیر نظامی را کشتند که ۴۰۰ تن آنها در نتیجه مواد منفجره تعبیه شده و حملات انتحاری بوده. این رقم نشان میدهد که ۶۷ درصد کل غیرنظامیان توسط عناصر ضد دولت کشته شده که ۳۹,۵ درصد کل مرگ ۱۰۱۳ غیر نظامی در این دوره می باشد.

۵ - تلفات ملکی منسوب به عناصر ضد دولت. جنوری - جون ۲۰۰۹<sup>۱</sup>



۲۳. حملات انتحاری و مواد منفجره تعبیه شده توسط طرفهای درگیر بیش از سایر تاکتیکهای دیگر منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است. هرچند هدف این گونه حملات در اکثر موارد کاروان های نظامی و منسوبین دولتی است، اما این گونه حملات در مناطق مسکونی و با بی اعتنایی کامل نسبت به قتل و جرح گسترده ای که این گونه حملات به مردم ملکی وارد می سازد، انجام می گیرد. به طور مثال در منطقه مرکزی، بخش حقوق بشر یوناما مرگ ۵۹ تن از افراد ملکی را در اولین ماه سال ۲۰۰۹ ثبت نموده است که از آن جمله ۴۲ تن آنان در نتیجه مواد منفجره تعبیه شده در بدن انسان، عراده جات و مواد منفجره تعبیه شده عادی جانهای شان را از دست داده اند.

۲۴. حملات انتحاری و حمله با مواد انفجاری تعبیه شده در تخطی از معیار های حقوق بین الملل صورت می گیرند. شیوه جنگ با حملات انتحاری و با استفاده از مواد منفجره تعبیه شده یک شیوه بدون تبعیض است، حتی در مواردی که هدف فقط اشیای نظامی باشد، ماهیت این مواد منفجره طوری است که همه افرادی که در آن حوالی قرار دارند از خطر مصون نیستند، که با مجروح و یا کشته می شوند، که در اکثر موارد خسارات وارده مردم ملکی بر خسارات وارده بر نظامیان افزونی دارد.

۲۵. عناصر مخالف دولت در اغلب موارد کوشش می کنند با استفاده از حملات انتحاری و مواد منفجره تعبیه شده، آنچه از افراد ملکی را که برای نیرو های نظامی بین المللی، شرکت های ساختمانی قرار دادی با تیم های پی آر تی و دولت های محلی کار می کنند، و نیز کاروان های کالا های نظامی نیرو های بین المللی که توسط قراردادی های خصوصی انتقال داده می شوند، را هدف قرار دهند. در نتیجه کارگذاری مواد منفجره و یا در نتیجه حملات انتحاری دارایی های مکاتب آسیب دیده و یا تخریب می گردند، شاگردان، معلمان و سایر کارکنان مربوطه زخم برداشته و یا کشته می شوند.

۲۶. بکارگیری گسترده و دوامدار مواد منفجره تعبیه شده باعث ایجاد فضای ترس و وحشت گردیده که عواقب ناگوار مهمی را بر مردم ملکی افغانستان به خصوص از ناحیه از دست دادن جان و مال شان در پی دارد. مواد منفجره تعبیه شده بدون تبعیض و احيانا همزمان با حملات انتحاری مورد استفاده قرار می گیرند. افراد ملکی ای که از دولت حمایت می کنند، و یا نیرو های طرفدار دولت هدف قرار داده می شوند. بخش حقوق بشر یوناما موارد متعددی از کار گذاشتن مواد منفجره تعبیه شده در بیرون از محل اقامت افسران پولیس ملی، کارمندان خدمات ملکی، و سایرینی که برای دولت کار می کنند، و یا از آن حمایت می کنند و همچنین منسوبین جامعه بین المللی را ثبت نموده است. به طور مثال در ۱۹ ماه می ۲۰۰۹ یک بمب کارگذاری شده در زیر موتر رئیس امور زنان در ولایت خوست منفجر شد که این کار آشکارا به قصد ارعاب وی انجام شده بود. این حادثه مرحله اوج تهدیداتی بود که در ماه های قبل از این انفجار علیه وی صورت می گرفت.

\* تاکتیکهای دیگر عناصر ضد دولت شامل حمله با راکت انداز، کمین گرفتن، حملات بزن و بگریز، تیر اندازی از خفا است که باعث مرگ افراد ملکی می گردد.

۲۷. حقوق بشر یوناما همچنان تعدادی از حوادث کارگذاری مواد منفجره به قصد ترور مقامات ولایتی را ثبت نموده است که به عنوان نمونه قتل ولسوال ولسوالی لعل پوره و زخمی شدن راننده موتر وی توسط مواد منفجره کنترل شده از راه دور به تاریخ ۷ فبروری ۲۰۰۹ را می توان ذکر نمود. همچنان به تاریخ ۴ می ۲۰۰۹ در ولایت لغمان شاروال مهترلام با شش تن دیگر از افراد ملکی توسط یک یک حمله انتحاری با مواد منفجره جابه جا شده در بدن فرد انتحاری به قتل رسیدند که در آن حادثه ده نفر دیگر نیز زخم برداشتند. به تاریخ ۲۹ می ۲۰۰۹ والی کندز توسط یک بمب کنترل شده از راه دور در قریه چشمه شیر ولسوالی تالقان جراحت برداشت.

۲۸. بخش حقوق بشر یوناما همچنین یک شیوه جدید را که در ماه های می و جون ۲۰۰۹ ظهور کرده است ثبت نموده که در آن بمب های مقناطیسی که به عراده جات چسپانیده می شود، برای هدف قرار دادن افراد مختلف که عمدتاً با دولت افغانستان ویا نیرو های بین المللی کار می کنند، به کار گرفته می شود. در ماه می ۲۰۰۹ یک نامزد عضویت در شورای ولایتی توسط یک بمب کارگذاری شده مقناطیسی که به موتر وی چسپانیده شده بود، به در شهر خوست به قتل رسید.

۲۹. مواد منفجره تعبیه شده در مناطق مسکونی مزدحم و مناطق تجارتي مانند مارکیت ها، دکان های فروش وسایل موسیقی و یا دکان هایی که چنین دیده می شود که اشیایی را که برای فروش عرضه می کنند منافی اخلاق باشد، مانند دیسک های دی وی دی و غیره کارگذاشته می شوند. در ۱۲ اپریل ۲۰۰۹ یکی از این قبیل بمب ها در یک کراچی دستی که توسط یک پسر بچه رانده می شد، کارگذاشته شده بود که قبل از وقت و در فاصله ۱۵ متری دفتر ولایت در شهر ایبک سمنگان منفجر شد که در نتیجه آن پسرک مذکور جانش را از دست داد و یک زن که در آن نزدیکی ها ایستاده بود جراحت برداشت. تحقیقات بعدی حاکی از این بود که این بمب بدون آگاهی آن پسرک در کراچی دستی وی کارگذاشته شده بود.

#### بررسی موردی

بتاریخ ۷ می ۲۰۰۹ یک موترسایکل سوار واسکت مملو از مواد منفجره اش را که می خواست با آن نیرو های نظامی بین المللی را هدف قرار دهد، در بازار گرشک ولسوالی نهر سراجی ولایت هلمند منفجر ساخت که در نتیجه آن ۲۳ فرد غیر نظامی کشته و ۱۷ تن دیگر مجروح گردیدند. این پنجمین مورد از این دست در بازار گرشک در طی شش ماهی بود که مخالفین نیروهای نظامی بین المللی و نیرو های امنیتی افغان را هدف قرار می دادند اما قربانیان اصلی مردم بی دفاع غیر نظامی بودند: دو تن از منسوبین پولیس ملی کشته شده و ۵ تن دیگر شان زخم برداشتند در مقایسه با غیر نظامیان که ۳۵ کشته و ۵۰ مجروح داشتند.

۳۰. حملات همزمان با استفاده از مواد منفجره تعبیه شده و حملات انتحاری طی شش مدت شش ماه به صورت روزافزونی شکل پیشرفته و مغلفی را به خود گرفته اند. این تاکتیک که در آن تعدادی از بمب های حمل شده توسط انسان و بمب های تعبیه شده در عراده جات مورد استفاده قرار می گیرند، به هدف آماج قرار دادن همزمان اماکن متعدد دولتی انفجار داده می شوند که هدف از آن وارد آوردن بیشترین تلفات ممکن است که قربانیان این گونه حملات را اکثراً غیر نظامیانی تشکیل می دهند که در آن نزدیکی ها مشغول کار هستند. و استفاده از این تاکتیک در حال افزایش است. مانند حمله سازماندهی شده علیه وزارت عدلیه و ریاست مرکزی محابس شهر کابل، حمله به وزارت معارف و ریاست امنیت ملی در ۱۱ فبروری ۲۰۰۹ منجر به کشته شدن حد اقل ۲۱ تن از غیر نظامیان شد. در رابطه با حادثه مذکور یوناما گزارش هایی را مبنی بر اینکه تعدادی از کارمندان عدلیه از دیگران جدا شده و با ضرب گلوله کشته شدند، را دریافت نمود. با وصف اینکه آنان کاملاً غیر نظامی بودند.

### حملات متعدد بر ساختمان های دولتی در کندهار

به تاریخ ۱ اپریل ۲۰۰۹ یک حمله متعدد بر ساختمان شورای ولایتی در شهر قندهار صورت گرفت. یک موتر بمب گذاری در دم دروازه شورا منفجر شد تا راه را برای ورود شش تن دیگر که واسکت های انتحاری پوشیده و کلاشینکوف در دست داشتند، هموار نماید. دو نفر ایشان با انفجار موتر از بین رفتند و چهار نفر باقی مانده توانستند وارد محوطه شورا شوند که در نهایت دو نفر از آنها موفق به انفجار واسکت های شان شدند. به جز از هفت حمله کننده، کسانی که در این حمله جان شان را از دست دادند عبارت بودند از سه کارمند دولت، چهار عضو شورای ولایتی و هفت گارد از پولیس ملی. علاوه بر اینها حد اقل ۱۷ غیرنظامی دیگر جراحات برداشتند که از آن جمله هفت تن آنان اعضای شورای ولایتی بودند. در لحظه وقوع این حمله در تعمیر مذکور یک برنامه کارآموزی (ترینگ) در حال اجراء بود.

### حملات متعدد بر دفتر ولایت خوست

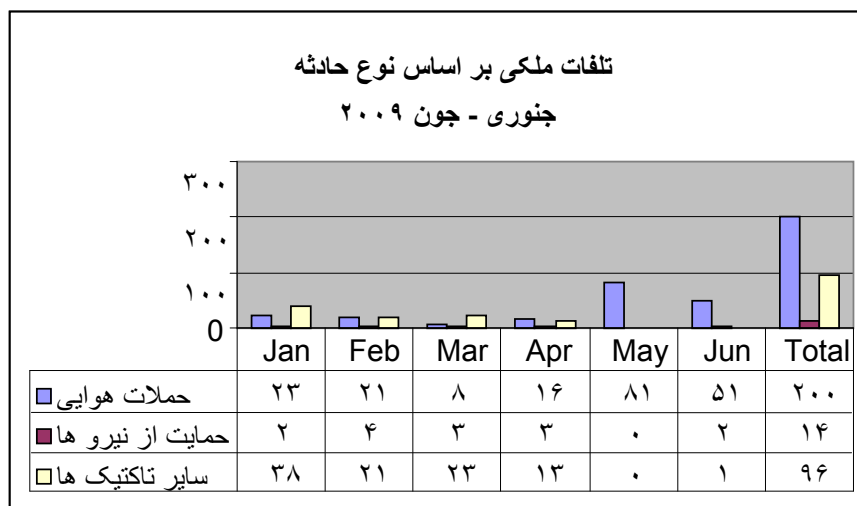
به تاریخ ۱۲ می ۲۰۰۹، در نتیجه یک حمله بسیار پیچیده بر تعمیر ولایت خوست بیست و یک تن به شمول سه فرد ملکی کشته شدند و ۲۵ تن دیگر به شمول ۲۲ فرد ملکی زخم برداشتند. حوالی ساعت ۱۱ قبل از ظهر گروهی از عناصر ضد دولت به صورت همزمان بر دفتر ولایت و قوماندانی امنیه ولایت خوست حمله بردند. حمله کنندگان در این حمله از مواد منفجره و سلاح های سبک و سنگین استفاده نمودند. حمله بالای تعمیر ولایت توسط یک موتر بمبگذاری شده انجام شد و در قدم بعدی فردی که مواد منفجره را در تن خود جابجا کرده بود برقع می پوشید خود را منفجر ساخت. قوماندانی امنیه پولیس ملی از استقامت تعمیر شاروالی ولایت خوست مورد حمله قرار گرفت که در اولین قدم به تصرف مخالفین در آمده بود. به اساس گزارشها تعدادی از جنگجویان (انتحاری) در همان روز در مرکز شهر پراکنده شده بودند. آنها توسط نیرو های آیساف و نیروی های امنیت ملی که مرکز شهر را در محاصره خود قرار داده بودند هدف قرار می گرفتند. تعمیر شاروالی همچنان در تصرف مخالفین باقی ماند. از ساعت یک بعد از ظهر به بعد جنگ شدیدی میان نیروهای مخالف دولت، آیساف و نیرو های امنیت ملی ادامه داشت. قرار گزارش ها از نارنجک های دستی سلاح های سبک و سنگین استفاده به عمل می آمد. و چندین انفجار شدید به گوش رسید (که احتمالاً ناشی از مواد منفجره تعبیه شده در بدن انسان بود). حوالی ساعت چهار بعد از ظهر هر چند اوضاع رو به آرامی گذاشته بود، اما باز هم صدای یک انفجار بزرگ در تعمیر شاروالی صورت گرفت. در مصاحبه با شبکه خبری الجزیره، ذبیح الله مجاهد حمله بر تاسیسات دولتی را تایید نموده و ادعا نموده که به تعداد سی تن انتحاری به شهر داخل شده بودند. وی اضافه نمود که آنها به آن دلیل خوست را مورد حمله قرار دادند که نیروهای بین المللی به پیمانانه زیادی در آن ولایت مستقر شده اند. اما به هر حال خسارات این حمله بدون در نظر گرفتن حضور غیر نظامیان متوجه ایشان شد.

۳۱. میل و گرایش مخالفین مسلح به مخاطره انداختن غیر نظامیان به شمول کودکان با استفاده از مواد منفجره تعبیه شده بیانگر بی اعتنایی کامل ایشان به تلفاتی است که در نتیجه اعمال آنان متوجه مردم ملکی می شود. به دور از اینکه ایشان تدابیری را برای به حد اقل رساندن تاثیر منفی اعمال شان بر مردم غیر نظامی اتخاذ کنند، بخش هایی از مخالفین مسلح حتی به شکل عمدی به استفاده از تاکتیک های جنگی بدون تبعیض مانند به کارگیری مواد منفجره تعبیه شده روی می آورند. اظهارات بیان شده توسط یکی از قوماندان های تحت امر ملا محمد عمر در ماه جون ۲۰۰۹، مایه نگرانی ویژه است. در این بیانیه آمده است که جنگجویان باید خود را در میان مردم ملکی جا بزنند و مردم ملکی نیز باید آماده مرگ باشند چون این کار باعث می شود که نیروهای طرفدار دولت علیه مردم واکنش نشان دهند و این امر باعث از بین رفتن حمایت مردم از حضور نیروهای بین المللی و به صورت عموم از جامعه جهانی در افغانستان می شود. اما با آنهم هریک از افراد دخیل در مخالفت مسلحانه مکلف است که به موازین قانون بین المللی بشردوستانه پایبند بماند، و این در حد اقل آن بدین معنا است که باید در عمل مردم ملکی را هدف قرار ندهند، و به اصول فرقه گذاری و حفظ تناسب در اجرای عملیات های شان توجه داشته باشند البته این به علاوه پایبندی شان به قوانین افغانستان است.

### حملات هوایی توسط نیروهای طرفدار دولت

۳۲. استفاده از حملات هوایی در مناطق غیر نظامی عامل عمده در فیصدی زیادی از تلفات غیر نظامیان است که به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده می شود. بین ماه های جنوری و جون سال ۲۰۰۹ دفتر یوناما ۲۰۰ حادثه تلفات غیرنظامیان را که ناشی از حملات هوایی بوده است، ثبت نمود. این عبارت است ۶۴,۵٪ از مجموع تعداد ۳۱۰ فرد ملکی کشته شده توسط نیروهای طرفدار دولت است. و یا عبارت است از ۲۰٪ از مجموع افراد ملکی کشته شده طی این مدت. این فیصدی به صورت خفیفی از آن چه در طول تمام سال ۲۰۰۸ ثبت شده بود کمتر است، چون در آن سال بخش حقوق بشر یوناما ۵۵۲ مورد قتل افراد ملکی توسط حملات هوایی را ثبت نموده بود، رقمی که تشکیل دهنده ۶۷ درصد از مجموع کشته شدگان غیرنظامی توسط نیرو های طرفدار دولت و ۲۰ درصد از مجموع افراد ملکی کشته شده را تشکیل می داد.

#### ۶ - تلفات ملکی منسوب به نیرو های طرفدار دولت جنوری - جون ۲۰۰۹



۳۳. در جنوری ۲۰۰۹ بخش حقوق بشر یوناما ۴ مورد حملات هوایی را ثبت نمود که در نتیجه آن ۲۳ تن غیر نظامی کشته شده بودند. در فیرووری ۲۰۰۹ دو حمله هوایی به ثبت رسید که در نتیجه آن ۲۱ فرد ملکی کشته شدند. بخش حقوق بشر یوناما در ماه مارچ ۲۰۰۹ سه حمله هوایی را ثبت نموده است که جان هشت تن افراد غیر نظامی را گرفت. در اپریل ۲۰۰۹ پنج حمله هوایی ثبت گردید که طی آن ۱۶ تن از افراد ملکی جانهای شان را از دست دادند. ماه می ۲۰۰۹ شاهد ۴ حمله هوایی بود که باعث تلفات ۸۱ تن از افراد ملکی شد که به همین اساس این ماه خونین ترین ماه از ناحیه تلفات ملکی در نیمه اول سال ۲۰۰۹ تلقی شد. یوناما ۶۳ مورد از این تلفات را به حملات هوایی سرو صدا برانگیز بتاريخ ۴ می ۲۰۰۹ نسبت می دهد که در قریه گرانی در ولسوالی بالا بلوک ولایت فراه به وقوع پیوست. ۵۱ فرد ملکی در نتیجه حملات هوایی در ماه جون سال ۲۰۰۹ کشته شدند که این ماه را دومین خونین ترین ماه در شش ماه اول سال ۲۰۰۹ از ناحیه حملات هوایی قرار می دهد. به شمول ۱۸ فرد ملکی دیگر که در حملات جدا گانه که در مناطق مرتفع مرکزی صورت گرفت، کشته شدند. این ارقام بیانگر این واقعیت است که هر چند تعداد حملات مرگبار هوایی همچنان کم است، اما وقتی که اتفاق می افتند تلفات زیادی را در پی دارند، چنانچه در حادثه ۴ می ۲۰۰۹ در بالابلوک مشاهده شد. در یک حادثه نگران کننده دیگر به یوناما گزارش رسید که ۵ فرد ملکی به تاریخ ۵ جون ۲۰۰۹ در نتیجه یک حمله هوایی در قریه بالا دشت ولسوالی کرجان ولایت دایکندی در مناطق مرتفع مرکزی جان های شان را از دست دادند، که به تعاقب آن یک حمله دیگر نیز در عین قریه به تاریخ ۱۴ جون صورت گرفت که جان ۱۳ نفر دیگر از جمله هشت کودک را نیز گرفت. این اولین حمله هوایی ثبت شده در این منطقه از زمان قوت گرفته ناآرامی ها در آنجا از سال ۲۰۰۵ است بدینسو و نمایانگر روند رو به گسترش ناآرامی به مناطق آرامتر است که نفوذ عناصر ضد دولت در آنجا رو به ازدیاد است.

**حمله هوایی به ولسوالی گنره**

به تاریخ ۱۷ فبروری نیروهای نظامی بین المللی عملیات هوایی ای را در منطقه کورکاسه (کاریز سلطان) در ولسوالی گنره ولایت هرات انجام دادند که به اساس گزارش ها در این حمله دو بمب به قصد تخریب دو موتر پارک شده در وسط محله متشکل از ۱۳ خانواده کوچی انداخته شده بود که در نتیجه آن به اساس معلومات واصله به یوناما، ۱۳ تن از کوچی ها جان باختند. این حمله هوایی به قصد از بین بردن قوماندان مشهور مخالف دولت غلام یحیی سیاوشانی انجام شده بود که بعدا معلوم شد که وی در آن حوالی حضور نداشته است

۳۴. از حملات هوایی معمولا در مواردی استفاده می شود که اهداف خاصی مورد نظر باشد و یا در حالات (troops in contact) از آن کار گرفته می شود. بخش حقوق بشر یوناما دریافته است که تعداد تلفات ملکی حملات هوایی از پیش پلان شده نسبت به حالت های TIC کمتر بوده است. با آنهم گاهی اوقات برای هدف قرار دادن قوماندانان طالبان رده بالا و رده متوسط محلات مزدحم مسکونی هدف قرار گرفته اند و افراد ملکی در آن تلف گردیده اند. حقوق بشر یوناما حادثه ای را ثبت نموده است که بتاريخ ۹ جنوری در ولسوالی دره پیچ ولایت کنر افراد ملکی که خانه شان هدف قرار گرفته بود در بین قربانی ها بودند که از جمله یک تن کشته و چندین تن دیگر زخمی گردیده بودند. بتاريخ ۲ اپریل ۲۰۰۹ یک تن از کارمندان محلی یکی از سازمان های غیر دولتی در حالیکه خانه یکی از خویشان وی به طور اشتباهی در حملات هوایی نیم شبی هدف قرار گرفته بود، در قریه ای در ولسوالی برکی برک ولایت لوگر کشته شد. بتاريخ ۲۷ اپریل ۲۰۰۹ دو فرد ملکی در نتیجه سقوط خانه شان در اثر انفجار بمبی که در اثنای جنگ میان آیساف و عناصر ضد دولتی در نزدیکی خانه شان افتاده بود، کشته شدند.

۳۵. معلومات گردآوری شده پیرامون حملات هوایی توسط بخش حقوق بشر یوناما اشاره به این دارد که بخش اعظم تلفات ملکی در نتیجه پشتیبانی نزدیک هوایی در حالات TIC و به خصوص زمانی که اینگونه عملیات در قریه ها و مناطق مزدحم مسکونی انجام می شوند، رخ می دهد. مردم ملکی در برخی حالات که کمک هوایی خواسته می شود و در حالاتی که جنگجویان تعمیرات را در تصرف می گیرند (بدون در نظر داشت اینکه آیا مردم ملکی در آن هستند یا خیر)، از همه بیشتر در معرض خطر هستند. و یا اینکه بر اساس معلومات استخباراتی (که در اکثر مواقع، شواهد و مدارک بعد از حادثه نشان می دهند که این معلومات یا دروغ و یا گمراه کننده بوده است) که گویا یکی از سران طالبان در فلان منطقه مسکونی حضور دارند و یا اینکه گویا مردم مسکونی را سپر انسانی قرار داده اند حملات هوایی صورت گیرد. در چندین مورد که توسط یوناما تحقیق صورت گرفته است، این موضوع روشن است که بنا به فرهنگ قوی مهمان نوازی و عدم توازن قدرت میان مردم ملکی در قریه جات مردم نمی توانند به عناصر ضد دولت اعم از قوماندانان و یا افراد آنها پناه ندهند. معلومات نشان می دهد که عناصر ضد دولت از این فاکتور ها استفاده می کنند و خانه های مردم ملکی را به عنوان پناهگاه انتخاب می کنند تا یک بازدارندگی در مقابل حملات نیروهای طرفدار دولت ایجاد کنند، و همچنان در صورت حمله (در مخالفت با قانون بین المللی بشردوستانه) از طرف نیروهای طرفدار دولت، تعداد تلفات ملکی را به حد اکثر برسانند.

### حملات هوایی در ولسوالی بالابلوک

حادثه مورخ ۴ می ۲۰۰۹ در قریه گرانی ولسوالی بالابلوک ولایت فراه بیانگر تأثیرات سوء استفاده از حملات هوایی در مناطق غیر نظامی است که جان ۶۴ نفر (۶۳ زن و کودک در نتیجه حمله هوایی و یک دختر در نتیجه فیر متقابل) را گرفت. بعد از بررسی قضیه نیرو های نظامی امریکا اذعان نمود که آنها از رهنمود های نظامی داخلی شان تخطی نموده اند. در این ارتباط این تحقیق بین حمله هایی که در ساعات روز انجام می گیرد و حمله های که شبانه انجام می گیرد فرق گذاشته شده است که بر اساس یافته های این بررسی "این حملات به همه رهنمود های خاص و نیات فرماندهان که در رهنمود کنترل گنجائیده شده است پایبند نبوده اند /.../" که "احتمالا منجر به تلفات مردم ملکی شده است." (خلاصه گزارش مرکز فرماندهی نیرو های امریکایی پیرامون نتایج بررسی تلفات ملکی در ولایت فراه در ۴ می ۲۰۰۹ و ۱۸ جون ۲۰۰۹). این بررسی ایالات متحده همچنین به این نتیجه رسید که ۲۶ تن افراد ملکی در اثر این حادثه جان باختند، هرچند احتمال بالا رفتن تعداد این تلفات را هم رد نکرد. این گزارش همچنین به گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز اشاره داشت که در آن سخن از کشته شدن ۸۶ تن افراد ملکی در اثر این حادثه رفته است.

بر اساس معلومات بخش حقوق بشر یوناما، معلوم می شود که نیرو های امریکایی تدابیر احتیاطی لازم قبل از اجرای عملیات را نگرفته بودند. ارزیابی شان از اوضاع باید این نکته را نیز در بر می گرفت که آیا در اثر حمله ما مردم ملکی به شکل غیر متناسب زیان خواهند دید یا خیر، و یا اینکه آیا مناسب است در مناطق مسکونی از حمله هوایی استفاده شود یا خیر. حقوق بشر یوناما همچنان یادداشت نمود که حمله هایی که در طول روز و حمله هایی که در شب انجام گرفته اند در شرایط مختلف از یکدیگر بوده اند. بعد از ختم عملیات زمینی چندین حمله هوایی در حوالی نماز شام انجام شد.

این حادثه علی الرغم رهنمود های تاکتیکی صادر شده از سوی قوماندانی نیرو های آیساف و ایالات متحده به وقوع پیوست که به قصد کاهش تأثیر سوء عملیات های جنگی بر غیر نظامیان در ماه های سپتامبر و دسامبر سال ۲۰۰۸ صادر شده بود. از جمله چندین پیشنهادی که در گزارش ایالات متحده آمده بود، بازبینی رهنمود ها تاکتیکی بود تا شامل رهنمایی هایی در مورد پشتیبانی هوایی نزدیک برای سربازان برای عملیات های از پیش پلان شده برای سربازان مشغول جنگ، در حالت های دفاع از خود و غیره نیز باشد. این رهنمود ها باید با تریننگ نیرو های موجود و نیرو های جدید همراه باشد.

۳۶. خطری که متوجه مردم ملکی است به خصوص با استفاده از مواد منفجره دارای حجم و وزن سنگین در مناطق مزدحم ابعاد گسترده تری به خود می گیرد. مردم ملکی همچنان در مواقعی که کاروان های نظامی نیرو های نظامی بین المللی و یا نیرو های امنیتی افغان در جاده ها با کمین مخالفین مواجه می شوند، با خطر روبرو هستند چون در اکثر موارد به طور اشتباهی مردم ملکی با مخالفین اشتباه گرفته می شوند و یا فکر می شود که مخالفین خود را در بین آنها جا زده اند، به خصوص وقتی که آنها (مردم ملکی) در وسایط نقلیه و یا در قالب گروه های بزرگ در حال مسافرت باشند. خطرات متوجه مردم ملکی به صورت ویژه ای در جریان عملیات های شبانه و یا در اثنای وضعیت جنگی عمومی در یک قریه و یا در محیط های مشابه شدید تر است به این دلیل که با توجه به ساختار زندگی خانوادگی در این کشور ممکن است افراد زیادی در زیر یک سقف و یا در یک محوطه زندگی کنند که می تواند زنان و کودکان زیادی را شامل باشد. قابل یادآوری است که در این حملات تنها جان مردم ملکی در خطر نیست؛ بلکه خطرات جدی از ناحیه حملات هوایی متوجه املاک و ساختار های زیربنایی مورد استفاده مردم ملکی، مانند خانه ها، مکاتب، و کلینیک ها نیز هست.

۳۷. احساسات توأم با خشم و ناامیدی در بین عامه مردم افغانستان در حال شکل گرفتن و گسترش است که از افزایش میزان تلفات مردم ملکی از ناحیه عملیات های انجام شده توسط نیرو های طرفدار دولت ناشی می شود، که این وضعیت حضور دوامدار نیرو های نظامی بین المللی و حضور جامعه جهانی را به صورت عموم در کشور با مخاطره مواجه می سازد. پس از هر همچو حادثه ای تظاهرات های مردمی یا بصورت خودجوش و یا به صورت سازمان داده شده صورت گرفته است، مانند آنچه بعد از حادثه بالا بلوک در ۴ ماه می ۲۰۰۹ صورت گرفت. آقای کرزی این موضوع را در تعدادی از بیانیه هایش به روشنی اعلان نمود که حملات هوایی ای که تلفات ملکی را در پی داشته باشد به اهداف دولت افغانستان و حمایت عامه مردم از نیرو های نظامی بین المللی لطمه وارد می کند.

۳۸. نیرو های نظامی بین المللی به منظور رسیدگی به یک تعداد از نگرانی های مهم که به باور آنها در تلفات افراد ملکی به خصوص ناشی از بمباردمان های هوایی اند بعضی ابتکارات را روی دست گرفته اند. همانطوریکه قبلاً اشاره شد، اینها شامل جهت دهی و شفافیت فراتر ساختار های قوماندان میان آیساف و عملیات صلح متداوم/ نیرو های امریکائی مستقر در افغانستان بوده، این یک تا حد زیادی تحت فرماندهان آیساف که در راس نیروی های امریکایی در افغانستان نیز قرار دارد، فعالیت مینمایند. آیساف نیز یک ساختار پیگیری تلفات ملکی ( که با یک ساختار پیگیری مشابه در چوکات نیرو های امریکائی مستقر در افغانستان نیز وجود دارد) را با هدف رسیدگی به تمام واقعات تلفات افراد ملکی که به نیرو های آیساف و امریکایی مستقر در افغانستان نسبت داده میشود را مطرح نموده است.

۳۹. شایان ذکر است که رهنمود های تکتیکی تصفیه شده در محافظت نیرو ها، بمباردمان های هوایی و حملات شبانه برای آیساف صادر گردیده و یک رهنمود تکتیکی در دسامبر ۲۰۰۸ برای نیرو های امریکایی نیز فرستاده شده است. رهنود های تکتیکی تصفیه شده سپتمبر ۲۰۰۸ از میان مسایل دیگر بالای بمباردمان های هوایی، منجمله اجرای حملات شبانه تمرکز مینماید. رهنمود های تکتیکی آیساف در جون ۲۰۰۹ دوباره بررسی و در ۲ جولای ۲۰۰۹ هم برای آیساف و نیروی های امریکایی مستقر در افغانستان با زبان قویتر که به مثابه یک قدم مثبت در کاهش تعداد تلفات ملکی محسوب میگردد، مجدداً ارائه گردیده است. رهنمود تکتیکی ۲ جولای ۲۰۰۹ "راهبرد و قصد در استخدام نیرو به حمایت از عملیات های آیساف" را ارائه مینماید که بوسیله آن از فرماندهان دخیل در میدان جنگ انتظار میرود تا با استفاده محدود از نیرو، منجمله حمایت دقیق هوایی در موقع هدفگیری مناطق مسکونی، تلفات افراد ملکی را کاهش دهند. هرچند، تاثیر آن را باید انتظار داشت، اما این نیازمند آموزش مناسب سربازان خواهد بود که در میدان عملیات قرار دارند، به خصوص در روشنائی تعویض منظم نیرو ها، و بررسی مناسب از واقعات مشخصیکه بوقوع میبوند تا عدم تطبیق رهنمود های تکتیکی و درس های عملی که به منظور کاهش تاثیر آن در عملیات های بعدی بالای افراد ملکی و ساختار ملکی را شناسایی نمایند.

۴۰. نیرو های نظامی بین المللی از سپتمبر ۲۰۰۸ (بعد از واقعه شیندند در ۲۲ اگست ۲۰۰۸) تمایل زیاد را در تامین بازجویی های منظم واقعات مشخص نشان داده اند. مثال آن بازجویی قوماندان مرکزی است که در ماه می ۲۰۰۹ در واقعه بالا بلوک به عمل آمد. باوجود آن، استقلال و شفافیت چنین بازجویی ها تا اکنون نیاز به پرسش ها دارد. نبود مسئولیت پذیری نیرو های که تحت عملیات صلح متداوم قرار دارند برای یوناما یک نگرانی به شمار میرود.

۴۱. در طول ۲۰۰۹، یک پذیرش آشکار توسط نیرو های نظامی بین المللی به خصوص آیساف در رابطه با واقعات مشخص و یک تمایل بیشتر جهت تصدیق تلفات افراد ملکی و جزئیات واقعات که آنها را از طریق اظهارات مطبوعاتی عامه صورت گرفت، نشان داده شد. هرچند، در بعضی موارد، نگرانی های وجود داشته که نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان در مورد تکتیک های عناصر ضد دولتی همان طوریکه در بمباردمان های بالا بلوک رخ داد، از طریق اظهارات مطبوعاتی ادعا های گوناگون را ابراز نموده اند. چنین اظهارات بعداً غلط ثابت شدند بخصوص نظریه که شورشیان افراد ملکی را به قتل میرسانند تا نشان داده باشند که این تلفات توسط نیرو های نظامی بین المللی صورت نگرفته است. در یک تحقیق بعدی، نظامیان ایالات متحده تائید نمودند که آنها رهنمود های نظامی امریکا را در استفاده از قدرت هوایی نقض نموده اند.

۴۲. باوجود پیشرفت ها، مسایل معین به عنوان یک نگرانی باقی مانده اند. این ها شامل سطح شفافیت نیرو های نظامی بین المللی و ظرفیت و تمایل شان میباشد تا اطلاعات را به یوناما ارائه نمایند. به خصوص در سطح قوماندان منطقوی، زمانیکه حقوق بشر یوناما تحقیقات را در مورد واقعات مشخص تلفات افراد ملکی توسط نیرو های نظامی بین المللی براه می اندازد، اکثراً نمیتوانند تا اطلاعات لازم را جهت روشن ساختن مسئولیت قوماندان برای یک عملیات خاص بدست آورند یا اطلاعات موثق دیگر را که در روشن ساختن رویداد ها کمک میکند، دریابند.

۴۳. حقوق بشر یوناما مشخص نمودن نیاز برای مساعدت به عنوان همدردی به قربانیان و فامیل های شان را که باید با معیار های استاندارد که شامل میکانیزم های متساوی و قابل دسترس میباشد پرداخته شوند، ادامه میدهد. در حال حاضر، کشور های مختلف کمک کننده نیرو برای چنین پرداخت ها شرایط مختلف دارند. قربانیان و خانواده های متاثر اکثراً نمیتوانند تا به منظور ارائه یک ادعا برای تلافی به چه کسی یا کجا مراجعه



نمایند زیرا دسترسی به پایگاه های نظامی کار آسان نیست. سیستم فعلی پرداخت ها به عنوان همدردی نیز میتواند منجر به پیامد خطری گردد که این میتواند تقلب در مطالبات تلفات افراد ملکی را تشویق نماید.

۴۴. یوناما و اوچا به مطرح نمودن موضوع افراد ملکی متأثر از جنگ اند ادامه میدهند. در ۴ جون، کمشنر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر مبنی بر وضعیت افراد ملکی در جنگ مسلحانه نگرانی خود را ابراز و خواستار تحقیقات مستقل همه واقعات که موجب تلفات گردیده و همچنان عدالت و تلافی برای تمام قربانی شده اند. یوناما از تلاش های نظامیان بین المللی در رسیدگی به موضوع تلفات افراد ملکی استقبال نموده است. هرچند، به منظور تامین تطبیق کامل رهنمود های تکنیکی جهت کاهش تاثیر جنگ بالای افراد ملکی و تامین آموزش مناسب سربازان دخیل در جنگ، باید چیز های بیشتر صورت گیرد. این نیز مهم است که نظامیان بین المللی سیستم های باز و شفاف را برای نظارت و تحقیق واقعات مربوط به تلفات افراد ملکی ایجاد نمایند. هر واقعه که تلفات افراد ملکی را در پی دارد باید از طرف یک تحقیق مستقل بررسی گردد و تجارب که بدست میآید باید در روش های بعدی مدغم گردند. بیشتر، این ضروری است کسانیکه قوانین بین المللی حقوق بشر، احکام، یا دستور های تکنیکی را نقض میکنند باید حسابده پنداشته شوند. تمام روش های آینده باید اطمینان حاصل نمایند که اجرای عملیات های نظامی شان خطر و تاثیر حد اقل بالای افراد ملکی داشته باشد.

## ضمیمه ۱

### فشرده میتودولوژی حقوق بشر یوناما برای جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل تلفات افراد ملکی

ارقام تلفات افراد ملکی که توسط یوناما ثبت گردیده نتیجه تحقیقات و گزارشاتی است که از طرف کارمندان حقوق بشر در مطابقت با دستور نظارت اوچا و شورای امنیت ۱۸۶۸ تهیه شده اند. حقوق بشر یوناما صرف نظر از اینکه کدام گروه، نهاد، یا مقام مسئول آنها اند، تمام گزارشات تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های مسلحانه را مورد تحقیق قرار میدهد.

حقوق بشر یوناما گزارشات تلفات افراد ملکی را تا حد امکان با استفاده از یک سلسله منابع وسیعتر و انواع اطلاعات تهیه مینماید. تمام منابع و اطلاعات را که آنها تهیه مینمایند، برای اعتبار و اطمینان مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرند. در اجرای تحقیق و تحلیل از واقعات مشخص، حقوق بشر یوناما سعی میورزد تا حد امکان تمام اطلاعات را از یک سلسله منابع، منجمله شهادت شهود و افراد متأثر، فعالان نظامی (به شمول حکومت افغان و نیرو های بین المللی)، مقامات محلی، ولسوالی و ولایتی، رهبران مذهبی و مجتمعات، بازدید های مستقیم محل، عکسبرداری ها و مدارک فلمی، بازدید ها از شفاخانه ها و تسهیلات طبی، شواهد منابع دوم، گزارشات رسانه ها، و معلوماتی که توسط ملل متحد و انجوها جمع آوری میگردند، تایید و بررسی متقابل نمایند.

تا جاییکه امکان دارد، تحقیقات به اساس شهادت ابتدائی متضررین و شهود از واقعه و تحقیقات محل صورت میگیرد. در بعضی مواقع، در اثر محدودیت های امنیتی در ارتباط به دسترسی، این سطح تحقیق ممکن نمیشود. در چنین موارد، بخش حقوق بشر یوناما به منظور بدست آوردن اطلاعات از طریق شبکه های موثق و از طریق منابع معتبر، به یک سلسله تکنیک ها توصل میورزد. همانطوریکه اظهار گردید، تمام گزارشات برای قابلیت اعتماد و اعتبار آن مورد ارزیابی قرار میگیرند.

در جایی که قناعت حقوق بشر یوناما با شواهد و مدارک مربوط به یک واقعه مشخص فراهم نمیگردد، موضوع مذکور گزارش نمیشود. در بعضی موارد، تحقیقات قبل از رسیدن به یک نتیجه ممکن چندین ماه را در بر گیرد. ممکن این معنی را بدهد که نتایج در مورد تلفات افراد ملکی که از یک واقعه مشخص ناشی میشود، ممکن با به دسترس قرار گرفتن اطلاعات جدید و تجزیه و تحلیل اندکی تغییر پیدا کند. با این هم، زمانیکه معلومات نا معلوم میباشد، تا وقتیکه مدارک دیگر قناعت بخش بدست نیاید، نتیجه آن اعلان نخواهد گردید، و یا قضیه بدون کدام نتیجه بسته شده و شامل گزارش احصائیوی نخواهد گردید.

شایان ذکر است که در بعضی واقعات موقف غیر رزمی قربانیان گزارش شده یک واقعه مورد مناقشه قرار میگیرد. در چنین قضایا، یوناما با معیار های قابل اجراء قوانین بین المللی حقوق بشری رهنمایی میگردد و بدون قضاوت فرض نمیکند که افراد شامل در منازعه مردمان ملکی اند. بیشتر، چنین ادعا ها به اساس حقایق مشخص که در مورد هر واقعه قید است مورد ارزیابی قرار میگیرند. بنابر این، در صورتیکه حالات غیر رزمی یک یا بیشتر قربانیان مورد شک قرار داشته باشند چنین تلفات در رقم کلی تلفات افراد ملکی شامل نمیگردد، پس امکان آن وجود دارد که تلفات افراد ملکی توسط یوناما بطور کامل گزارش نشود.

اصطلاحات و اختصارات ذیل در این ابلاغیه مورد استفاده قرار میگیرند:

**ABP:** پولیس سرحدی افغان

**AGEs:** عناصر ضد دولت. این ها شامل تمام افراد و گروه های که در حال حاضر در نبرد مسلحانه بر ضد دولت افغانستان قرار دارند ویا نیرو های نظامی بین امملی، میباشد. آنها شامل کسانی اند که به عنوان طالبان و همچنان افراد و گروه های که توسط یک سلسله اهداف و مطالب تحریک میگردند.

**ANA:** ارتش ملی افغان

**ANP:** پولیس ملی افغان

**ANSF:** نیرو های امنیتی افغان. این اصطلاح شامل پولیس سرحدی افغان، ارتش ملی افغان، پولیس ملی افغان و امنیت ملی میباشد.

**ASF:** نیرو های ویژه افغان. این ها بخش از ارتش ملی افغان اند و اکثراً بنام کمندو های ارتش ملی افغان یاد میگردند، در برخی قضایا، شبه نظامیان OGA بطور غیر رسمی به نیرو های ویژه افغان منسوب میشود.

**BBIED:** مواد منفجره تعبیه شده در وسایط

**Casualties:** ممکن به دو بخش باشند:

• **Direct (مستقیم):** تلفات که مستقیماً از اثر نبرد مسلحانه، منجمله آنهاییکه در نتیجه عملیات های نظامی نیرو های طرفدار دولت (نیرو های افغان و بین المللی) مانند واقعات تحفظی قوه، حملات هوایی، رویداد های تلاشی و دستگیری، مبارزه با شورشیان، صورت میگیرد. این نیز شامل تلفات است که از اثر فعالیت های عناصر ضد دولت، مانند کشتار های هدفگیرانه، مواد منفجره تعبیه شده، مواد منفجره تعبیه شده در وسایط، یا درگیری مستقیم با نیرو های طرفدار دولت و غیره به عمل میآید، بوجود می آید.

• **Other:** تلفات غیر مستقیم ناشی از نبرد، منجمله تلفات که در نتیجه بقایای مواد منفجره جنگ، مرگ در زندان، مرگ ناشی از اوضاع طبی که در جریان عملیات های نظامی بوقوع میبندد، و یا در صورتیکه دسترسی به مراقبت صحی تامین نمیگردد و یا آماده نباشد. این همچنان شامل تلفاتی میگردد که از اثر واقعات به عمل آمده که تا حدود زیاد مسئولیت آن بوضاحت تعیین شده نمیتواند، مانند مرگ و زخمی های ناشی از تبادل آتش میباشند، و سرانجام، شامل تلفاتی میباشند که از اثر نبرد های نژادی و قومی صورت گرفته باشد.

**Civilian/Non-Combatant:** افرادی اند که در خصومت ها نقش فعال نمیگیرند. این ها عبارتند از تمام افراد ملکی و مامورین عامه میگردد که برای مقاصد جنگی مورد استفاده قرار نمیگیرند و شامل معلمین، کارکنان صحی طبی، سایر اشخاص که در ارائه خدمات عامه مصروف اند و شخصیت های سیاسی و عهده داران اداری میگرددند. همچنان شامل سربازان و یا افرادی میگردد که یا از اثر زخم برداشتن یا به دلیل اینکه در محاصر قرار گرفته اند یا برای هر دلیل دیگر در خصومت ها سهم فعال نگرفته اند و یا افراد را گویند که ممکن پرسونل ملکی پولیس یا اعضای نظامی اند و از آنها در عملیات های مبارزه علیه شورش استفاده نمیگردد، منجمله زمانیکه شامل وظیفه نمیباشند.

**اطفال:** طبق کنوانسیون حقوق اطفال، از یک طفل به عنوان کسیکه تحت سن ۱۸ (به شمول اطفال سن ۰ الی ۱۷ سال) قرار دارد به شمول تعریف گردیده است. ارقام زیان جرائت اطفال اکثراً بطور کامل گزارش داده نمیشود زیرا معلومات در مورد سن برای افراد مجروح یا در دست نیست و یا گزارش نمیشوند.

**COM-ISAF:** قوماندان آیساف و نیرو های امریکایی در افغانستان.

**Force protection incidents:** حالاتی است که افراد ملکی در موقع نزدیک شدن به کاروان های نظامی توجه نه مینمایند و یا از هدایات در پوسته های بررسی و اخطار های پرسونل نظامی پیروی نمیکند. همچنین، واقعات حفاظتی قوه زمانی میتواند به عمل آید که افراد به پایگاه ها و تاسیسات نظامی بسیار نزدیک میشوند و به اخطار های که از جانب پرسونل نظامی صورت میگیرد، توجه نه مینمایند.

**GoA:** دولت (جمهور اسلامی) افغانستان

**Humanitarian space:** (ساحه فعالیت بشری) این اصطلاح توسط رئیس قبلی دکتوران بدون رونی برومن، که آنرا در اواسط ۱۹۹۰ به مثابه یک ساحه آزادی، که در آن ما آزادییم تا ضروریات خود را ارزیابی کنیم، از توزیع و استفاده اجناس کمی نظارت کنیم، و با مردم گفتگو داشته باشیم، بوجود آمد. واژه نامه بشری دفتر ملل متحد در امور هماهنگی بشری (اوچا) چیز مشخص برای ساحه فعالیت بشری ندارد، اما از اصطلاح به عنوان یک مترادف برای محیط عملیاتی بشری نام میبرد: یک عنصر کلیدی برای ادارات و سازمان های بشری است که شامل ایجاد و حفظ یک محیط عملیاتی بشری فراگیر میباشد. واژه نامه اظهار میدارد، که توافق با اصول کلیدی عملیاتی بیطرفی در عملیات های بشری از وسایل مهمی آن نمایندگی میکند که به اساس آن هدف اصلی یعنی رسیدگی به مردم زمانیکه دچار مشکلات میگردند، بدست میآید. در نتیجه، حفظ یک تفاوت واضح میان نقش و کار فعالین بشری نظامی عامل تعیین کننده ای در ایجاد یک محیط عملیاتی که در آن سازمان های بشری میتوانند وظایف خود را بطور موثر انجام دهند، به شمار میرود. نویسندگان اوچا و دبیرانمننت عملیات های حفظ صلح در مورد راپور ماموریت واحد، که در سال ۲۰۰۵ به نشر رسید، گزارش میدهد که این کار نیز به ضرورت حفظ ساحه فعالیت بشری رسیدگی و روی تفاوت میان افراد ملکی و نظامی تمرکز میکند. ساحه بشری نیز تصویری را که افراد ملکی حق دارند تا به وسایل حفظ و کمک های نگهداشتن حیات دسترسی داشته باشند، شامل میباشد.

**IED:** مواد منفجره تعبیه شده. یک بمب ساخته و تعبیه شده است که در راه های غیر متداول نظامی بکار میرود. مواد مذکور همچنین میتواند شکل بمب های انتحاری مانند مواد منفجره تعبیه شده در وسایط را بخود گیرد.

**Incidents:** نبرد مسلحانه را گویند که از اثر آن افراد ملکی تلف میگردند. گزارشات تلفات که ناشی از فعالیت های جنائی و غیر میگردند در راپور های تلفات افراد ملکی شامل نمیباشند.

**IMF:** نیرو های نظامی بین المللی شامل تمام سربازان خارجی اند که بخش از آیساف و نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان که تحت قوماندان آیساف قرار دارند را تشکیل میدهند. این اصطلاح نیرو های که تحت قوماندان آیساف فعالیت نمیکند به شمول نیرو ها خاص را نیز دربر میگیرد.

**Injuries:** شامل زخم فزیزی با درجات و شدت متفاوت میباشد. اندازه شدت زخم در دیتابیس حقوق بشر یوناما ثبت نمیگردد. قضیه های جرات شامل شوک های عصبی و آسیب های روانی نمی باشد.

**ISAF:** نیرو های کمکی امنیت بین المللی در افغانستان. آیساف تحت فصل سوم منشور ملل متحد یک مأموریت تنفیذ صلح دارد. هرچند، این یک قوه ملل متحد نمیشد بلکه یک ائتلاف توأم با رضایت است که از سال ۲۰۰۱ تحت قیادت شورای امنیت ملل متحد در افغانستان اعزام گردیدند. در اگست ۲۰۰۳، نظر به تقاضای ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی افغانستان، قومانده آیساف را ناتو به عهده گرفت. در حال حاضر نیرو های ناتو شامل ۶۱،۳۰۰ سرباز از ۴۲ کشور (به شمول تمام ۲۸ کشور ناتو) و همچنان ۲۶ تیم های بازسازی ولایتی میباشد. از نومبر ۲۰۰۸، قوماندان آیساف نیز به عنوان قوماندان نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان انجام وظیفه مینماید، باوجود آن، سلسله فرماندهی از هم جدا است.

**NATO:** سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو نیرو عمده کشور های کمک کننده به آیساف میباشد.

**OEF:** (عملیات صلح متداوم) نام رسمی است که توسط دولت ایالات متحد امریکا برای سهم گیری اش در جنگ افغانستان بکار میرود. باید تذکر داد عملیات صلح متداوم که عملیات مشترک افغان و امریکا میباشد از آیساف که یک عملیات ملت های ناتو به شمول ایالات متحده امریکا و سایر کشور های کمک کننده نیرو میباشد، جدا میباشد. اکثر نیرو های امریکایی که از اکتوبر ۲۰۰۸ به اینطرف تحت عملیات صلح متداوم فعالیت دارند در نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان مدغم گردیده و تحت قومانده جنرال مکرستل که فرمانده آیساف نیز میباشد، قرار دارند. باوجود آن، بعضی نیرو های خاص تا هنوز تحت قومانده جداگانه قرار دارند.

**Pro-government forces (PGF):** (نیرو های طرفدار دولت)

• **Afghan Government Forces:** نیرو های دولت افغانستان. تمام نیرو های که در عملیات های نظامی و نیمه نظامی اشتراک دارند، بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان قرار دارند. این نیرو ها عبارتند از اردوی ملی افغان، پولیس ملی افغان، پولیس سرحدی افغان و ریاست امنیت ملی.

• **International Military Forces (IMF) and OGA:** (نیرو های نظامی بین المللی)

**PRTs:** تیم های بازسازی ولایتی. این های تیم های کوچک ملکی و نظامی اند که به منظور کمک در کار بازسازی افغانستان در چارچوب قومانده منطقوی آیساف کار میکنند. نقش شان این است تا مقامات محل را در بازسازی و حفظ امنیت ساحه کمک نمایند.

**UNDSS:** دیپارتمنت امنیت و حفاظت ملل متحد.

**US Forces Afghanistan: or USFOR-A:** عبارت از مرکز سوق و اداره فعالیت نیرو های امریکایی در افغانستان است. نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان تحت قومانده جنرال مکرستل، که به عنوان قوماندان ناتو و آیساف نیز انجام وظیفه مینماید، قرار دارد. تحت این قرارگاه جدید که در برج اکتوبر ۲۰۰۸ فعال گردید، نیرو های امریکایی که به عنوان بخش از عملیات صلح متداوم کار مینماید، تحت اداره عملیات نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان قرار گرفتند. سلسله مراتب فرماندهی آیساف و عملیات متداوم صلح از هم جدا باقی مینمانند، و قوماندانیت مرکزی ایالات متحد امریکا از عملیات های امریکایی مبارزه با تروریسم و عملیات مربوط به بازداشت شده گان نظارت مینماید.

**VBIED:** مواد منفجره تعبیه شده در وسایط